

بررسی انتقادهای مطرح‌شده درباره کابینه مسعود پزشکیان در شبکه‌های اجتماعی

این کابینه رضایت عمومی را جلب نمی‌کند



افشین امیرشاهی

سردبیر آنلاین هم‌میهن

شب گذشته محمدجواد ظریف در مطلبی ملایم از انتخاب برخی از چهره‌ها در کابینه دکتر پزشکیان گلایه کرد و در ادامه از معاونت راهبردی دولت چهاردهم استعفا داد. در پی این متن موج گسترده‌ای از اظهارنظرها در شبکه‌های اجتماعی در رابطه با خداحافظی ظریف راه افتاد و افراد بیشتری نیز از فهرست کابینه انتقاد کردند. بررسی نظرات مخالفان و منتقدان کابینه مسعود پزشکیان یک نکته مهم و قابل‌اعتنا انسان می‌دهد؛ اینکه کابینه در ۲۴ ساعت گذشته با انتقاد وسیع طیف‌های مختلف مردم روبه‌رو شده است و اگر این فضای انتقاد و نگرانی تغییر نکند، دولت چهاردهم نخواهد توانست رضایت عمومی را جلب کند. شاید سخن گفتن مسعود پزشکیان درباره ملاک‌ها و دلایلش برای انتخاب این کابینه و همچنین اظهارنظر برخی از چهره‌های شناخته‌شده، مورد وثوق و تأثیرگذار بتواند این فضا را تغییر دهد یا اندکی ملایم کند. اما در حال حاضر و در شبانه‌روز گذشته مسئله‌ای که بیشترین بازتاب را داشته، نارضایتی عمومی از این کابینه است. تنوع نوشته‌ها و نظرات زیاد است و طبقه‌بندی آنها کمک می‌کند درک بهتری از وضعیت افکار عمومی داشته باشیم. دست کم چهار نوع نظر را می‌توان دید. البته می‌توان طبقه‌بندی‌های دیگری انجام داد و به آن افزود یا کم کرد.

یک دسته نظرات را می‌توان آن نظراتی دانست که جنبه مشترک آنها انتقاد به «کوتاه آمدن در برابر فشارها» است. به نظر آنها کابینه معرفی شده محصول فشارهایی است که جریان‌ها و جناح‌های درون حکومت به پزشکیان وارد کرده‌اند و او را ناچار کرده‌اند که عهدش را با مردم و رای‌دهندگان نادیده بگیرد و کابینه مطلوب جناح شکست‌خورده را تشکیل دهد. به‌طور کلی مضامینی که در مباحث و انتقادات بیان شده شامل مواردی چون انتقاد به نداشتن تخصص‌گرایی، نادیده گرفتن مشاوره‌ها، بی‌توجهی به تغییر به عنوان خواست عمومی مردم است. بخشی از نظرات هم به حضور کم‌رنگ زنان و همچنین اهل سنت در کابینه دکتر پزشکیان است. برخی درخواست کرده‌اند آقای پزشکیان خیلی صریح و شفاف بگوید که آیا معنی برای حضور زنان دارد یا خیر؟ همچنین خواسته‌اند رئیس‌جمهور توضیح دهد که چرا باوجود معرفی افراد شایسته از میان اهل سنت هیچ‌کدام در لیست نهایی کابینه حضور ندارند.

این نظرات معمولاً بازبانی تند و با حرارت بیان شده است. برخی از سرخشم با کابینه معرفی شده مخالفت کردند. مثلاً گفته‌اند پزشکیان نه تنها صدای بی‌صدایان نشد بلکه نتوانست صدای کسانی باشد که به او رای داده‌اند. گروه دیگری از نظرات دعوت به واقع‌بینی کرده‌اند و گفته‌اند که عمل سیاسی باید به جای آن مبتنی بر آرزوها و تخیلات باشد، در چارچوب واقعیت صورت گیرد. این گروه را می‌توانیم «عمل سیاسی ایران همین است. مثلاً گفته‌اند: «ایمان باشد که این وزرا باید از تندترین و افراطی‌ترین مجلس رای اعتماد بگیرند.» برخی از اظهارنظرهای مخالفان (بخوانیم: «همچنان امیدوار هستیم، چون به آقای پزشکیان رای داده‌ایم و نه کابینه‌او»، «اما فقط رای داده بودیم که خالص‌سازی ادامه پیدا نکند»، «رای دادیم تا خطر جلیلی و تندروها رفع شود» و اظهارنظرهای دیگر، البته برخی نیز حمایت کرده‌اند که از نظر تعداد و گستردگی کمتر هستند. سمت و سوی حمایت‌ها به این

دلیل است که وضعیت بدتر نشود. از این رودر حمایت‌هایشان این کابینه را با کابینه‌دولت ابراهیم‌رئیزی مقایسه می‌کنند

دسته دیگر از نظرات به جای آنکه به تحلیل بپردازند و یا توصیه خاصی داشته باشند، با زبان طنز، کابینه معرفی شده را نقد کرده‌اند و فهرست پیشنهادی مسعود پزشکیان را بی‌اعتبار ساخته‌اند. مضمون مشترک‌شان تکرار دولت‌رئیزی بود. این دسته به شکل‌های مختلف گفته‌اند کاری از دولت جدید ساخته نیست و فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد. در این اظهارنظرها، اظهارات طنزگونه فراوانی دیده می‌شود و استفاده از عبارتهایی چون بازی خورده‌ایم، کابینه دستوری، دوباره التهاب در بازار، جلیلی اگر می‌دانست این کابینه پزشکیان است همان موقع پوشوشی پزشکیان می‌شد و مواردی از این دست در لابه‌لای انتقادات فراوان مشاهده می‌شود. در نظرات انتقادی یک نگرانی مشترک دیده می‌شود. از دید آنها ظاهراً

هیچ تغییری در راه نیست و همان سیاست‌های گذشته ادامه پیدا خواهد کرد. بسیاری از مردم و منتقدان احساس می‌کنند که فریب خورده‌اند. دسته دیگری از تحلیل‌ها که می‌توان آنها را تحلیل‌های ساختاری و جامع دانست، کابینه معرفی شده را در چارچوب مقولات گسترده‌تر سیاسی قرار می‌دهند. برای مثال، می‌گویند رسالت اصلی کابینه این است که شکاف درون ساختار قدرت و شکاف بین حکومت و مردم را کاهش دهد. از این زاویه از رئیس‌جمهور خواسته‌اند که گزارشی شفاف از شیوه و ملاحظات انتخاب همکارانش به مردم بدهد. نکته مشترک همه متن‌ها و اظهارنظرهایی که منتشر شده این است که از کابینه مسعود پزشکیان راضی نیستند. اگر این برداشت در جامعه و همچنین در میان خنگیان مورد پذیرش قرار گیرد، معنایش این است که این کابینه راه دشواری برای جلب رضایت عمومی دارد. بررسی اظهارنظرهان‌شان می‌دهد که این کابینه نتوانسته افکار عمومی را با خود همراه کند و یک نارضایتی همراه با سرخوردگی به وجود آورده است؛ به‌خصوص که مسعود پزشکیان تا این لحظه سکوت کرده و درباره افراد کابینه و دلایل انتخاب برخی از آنها سخن گفته است. اما تبعات نارضایتی افکار عمومی از این کابینه چیست؟ اگر کابینه نتواند رضایت عمومی جامعه را کسب کند چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر زنان جامعه همچنان از وضعیت جامعه و کشور نارضی باشند چه پیش‌خودها آمد؟ واقعیت این است که بسیاری از مردم کشور مان‌باشک و تردید بسیار در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کردند به این امید که حضورشان به تغییرات ملموس و چشمگیری در وضعیت داخلی ایران منجر شود. در شرایطی در انتخابات شرکت کردند که حس ناامنی و بی‌اعتمادی گسترده‌ای در میان مردم وجود داشته و دارد. حال‌ای کابینه با تردیدها و نگرانی‌هایی در جامعه همراه شده است. این حس به وجود آمده که انگار قرار نیست هیچ تغییری در جامعه رخ بدهد. اما این اتفاق می‌تواند برای جامعه و آینده کشور آسیب‌های جدی داشته باشد. چون در صورتی که دولت چهاردهم نتواند رضایت عمومی را جلب کند از پشتوانه لازم برای تصمیم‌سازی‌های مهم برخوردار نخواهد بود و بخش مهمی از عنصر مشروعیت و مقبولیت خودش را از دست خواهد داد. از محتوای حرف‌ها و سخنان و نقدهایی که در ۲۴ ساعت گذشته منتشر شده چنین می‌توان نتیجه گرفت که جامعه دوباره با سرخوردگی، خشم و بغض فروخورد مواجه شده است. پیام حضور مردم در انتخابات این بود که جامعه نیازمند تغییرات اساسی و بنیادین است و باید در همه‌سیاست‌های خرد و کلان تجدیدنظر اساسی صورت پذیرد. اما به نظر می‌رسد که این پیام شنیده نشده و نتیجه آن یک سرخوردگی، عصبانیت همراه با ناامیدی و بی‌اعتمادی خواهد بود که قطعاً تبعات تلخ خودش را دارد.

تیتریک

HEADLINE ONE

انتظار ظریف

ارزیابی فعالان سیاسی از کناره‌گیری معاون راهبردی رئیس‌جمهور

از انتشار اولین نامه‌اش درباره متن منتشرشده توضیحاتی ارائه داد؛ توضیحاتی که به نظر می‌رسد واکنشی به واکنش‌ها بوده است؛ «سلام بر مردم بزرگوار ایران. پیام دیشب بنده بمعنای پشیمانی و یا ناامیدی از دکتر پزشکیان عزیز و یا مخالفت با واقع‌گرایی نیست؛ بلکه به‌معنای تردید در مفیدبودن خودم در معاونت راهبردی است. البته هر برخی، مردودین از جانب مردم، با تفسیر عجیبی از قانون مصوب ۱۴۰۱، اشتغال بنده در مشاغل حساس را به بهانه‌ای برای فشار بر دولت

چهاردهم تبدیل کرده‌بودند. بنده نیز برای جلوگیری از هرگونه شائبه یا بهانه برای کارشکنی در کار دولت دکتر پزشکیان عزیز، هفته گذشته طی نامه‌ای از معاونت راهبردی رئیس‌جمهور انصراف داده بودم.» او در ادامه توضیحات خود که در شبکه اجتماعی ایکس منتشر شده است، نوشت: «باتوجه‌به برخی فضاسازی‌ها لازم است یادآوری کنم که (۱) به‌رغم تولد فرزندانم حدود ۴۰ سال قبل و در دوران تحصیل (ونه‌ماموریت) در آمریکا و قوانین خاک‌محور آمریکا برای تابعیت قهری، به لطف خدا بنده، همسر و فرزندانم ساکن ایران عزیز هستیم و یک متر مسکن در خارج از ایران در تملک و یا حتی اجاره خود نداریم. خودم هم تحت دو تحریم آمریکا (ذیل تحریم رهبری) و یک تحریم کانادا قرار دارم و خودم و همسرم حتی امکان سفر توریستی به ایالات متحده، کانادا و برخی کشورهای دیگر را نداریم. (۲) هیچ نهاد نظارتی مخالفتی با معاونت بنده اعلام نکرده است؛ دکتر پزشکیان بزرگوار با شجاعت و صراحت اصرار بر ادامه کار بنده داشته‌اند. (۳) این بهانه برای دیگران که فرزندان‌شان تابعیت مضاعف اکتسابی (ونه قهری) همراه با اقامت در خارج از کشور دارند، بیش از بنده قابل‌بهره‌برداری است. آنچه باعث گزارش دیشب شد، تردید در مفیدبودنم در معاونت راهبردی بود و آن بهانه سیاسی، دلیل بازشگش به دانشگاه نبود و تنها مزید بر علت بود. هنوز به تمام آنچه در مورد ایشان در دوران انتخابات گفتم باور دارم. با تمام توان از دانشگاه برای ایران در خدمت شما و ایشان خواهم بود و از همه ایرانیان میهن‌پرست و توسعه‌خواه تقاضا دارم که بر پشتیبانی خود از ایشان بیافزایند و ایشان و دولت‌شان را تنها نگذارند.» در این بین اما به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور به این مسئله مهم توجه نکرده است که در اولین دور انتخابات مؤخر ریاست‌جمهوری تنها ۳۹/۹۶ درصد از مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند و آنچه باعث افزایش حضور افراد در دومین دوره انتخابات شد و آمار مشارکت‌کنندگان را به بالای ۴۰ درصد رساند، ترس از روی کار آمدن سعید جلیلی بود؛ فردی که دولت خود را ادامه‌دهنده راه دولت سیزدهم توصیف کرد. با این حال پزشکیان بدون توجه به مطالبات و نگرانی‌های

نگاه هم‌میهن ۲/

غوغا دقیقاً بر سر چیست؟



احمد زیدآبادی

مشاور روزنامه هم‌میهن

ترکیب کابینه پیشنهادی دکتر پزشکیان به مجلس انتقادات و بعضاً حملاتی را بخصوص از جانب بدنهٔ نیروهای اصلاح‌طلب در پی داشته است. ترکیب کابینه از چند جهت مورد نقد جدی است اما آنچه در فضای مجازی جریان دارد، در موارد زیادی خارج از قالب نقد است و حکایت از نوعی سرخوردگی و نومیدی و حتی پشیمانی تعدادی افراد از رأی دادن به رئیس‌جمهور دارد. تنوع واکنش افراد به چیزی که نمی‌پسندند و یا آن را به حال خود یا جامعه مضر می‌دانند، امری طبیعی است اما اگر برخی واکنش‌ها در چارچوب تحلیلی روشنی نکتند، از جنس بازتاب‌های روانی زودگذری است که روزانه در کوچه و خیابان به تکرار از سوی بسیاری از مردم عادی دیده می‌شود. کنش عاطفی در امور سیاسی گرچه تبعات سیاسی در بردارد اما از جنس سیاست به معنای صورتی از تدبیر منزل نیست و لاجرم در چارچوب کنش معطوف به «تحلیل» نمی‌گنجد. کنش سیاسی معنادر معمولاً در چارچوب تحلیل روشن از شرایط و وضعیت مشخص صورت می‌گیرد و بدین جهت، با تکیه بر مؤلفه‌های همان تحلیل، می‌توان دربارهٔ درستی و نادرستی آن داوری کرد. افرادی که کابینه پیشنهادی آقای پزشکیان را به باد نقد و حمله گرفته‌اند، قاعدتاً همگی از یک گرایش و گروه نیستند و از موضع و زاویه واحد و مشترکی نیز برخوردار نمی‌کنند، بنابراین، نقد متقابل آنها نیز نمی‌تواند بیا مؤلفه و معیار واحدی صورت گیرد. در میان این افراد، یک دسته، نیروهایی‌اند که وضعیت موجود را به‌طور کامل غیرقابل اصلاح می‌دانند و به همین جهت انتخابات را نیز فاقد هرگونه معنا و اثرگذاری معرفی می‌کنند. بدون تردید آنها از «حق» هر نوع نقد و اظهارنظر و اعتراض به کابینه بر خوردارند، اما چون خارج از چارچوب تحلیلی خود رفتار می‌کنند، نقد و اعتراض‌شان منطقی به نظر نمی‌رسد. آنکه کلیت یک پدیده را به‌طور کامل نفی می‌کند، پرداختن به جزئیات آن از موضع اینکه چه وزیری بهتر و چه وزیری بدتر است، نوعی نقض غرض و ورود به چارچوب اصلاح‌طلبی است. از این رو، این دسته از معترضان اصولاً رویکردشان از نوع جنگ روانی و تخریب‌آمار در عین حال تناقض‌آلود است. عده‌ای دیگر از پزشکیان ظنین و بدگمان بوده‌اند و انتظار کار مثبت و مؤثری از او نداشته‌اند و به همین علت در انتخابات هم شرکت نکرده‌اند. این بخش از منتقدان، قاعدتاً از موضع اثبات «حق به‌جانی» و «احتجاج» دربارهٔ «اشتباه بودن شرکت در انتخابات می‌توانند ترکیب کابینه را شاهد مثال آورند، اما دامن

زند آنها به سطح انتظارات از پزشکیان و ترکیب کابینه‌اش و بخصوص بیان توقع و گریبانگیری از او، به اندازهٔ گروه نخست غیرمنطقی و تناقض‌آلود و خارج از چارچوب خودشان است. گروه سوم اما بخشی از اصلاح‌طلبانند که با رأی دادن به آقای پزشکیان و فعالیت به نفع او، انتظاراتی از ترکیب کابینه او داشته‌اند که اکنون با معرفی کابینه نه‌فقط آن را برآورده نمی‌بینند بلکه آن را از جهات مختلف مغایر توقعات خود می‌دانند. بنابراین، نه‌فقط از وضعیت پیش آمده نومید و پشیمانند بلکه حتی دکتر پزشکیان و کابینه‌اش را آلت دست نهادهای قدرت و در نتیجه مضر به حال جامعه می‌شمارند. حال پرسشی که می‌توان روبه‌روی این افراد قرار داد این است که آنها سطح انتظارات خود از کابینهٔ آقای پزشکیان را بر مبنای کدام تحلیل تا این حد بالا برده‌اند؟ اگر تحلیل خاصی در این مورد وجود ندارد که واکنش آنها از سر هیجان است اما اگر تحلیلی وجود دارد، آن تحلیل بر مبنای کدام داده‌های مشخص تدوین شده است؟ در واقع در اینتزاروی سخن با رهبران و بزرگان طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب است که یا با حملات حامیان خود به دولت پزشکیان همسو شده و یا در برابر آنان سکوت کرده‌اند. مگر جز این است که میزان تخصص حرفه‌ای آقای پزشکیان در زمینهٔ حکمرانی از همان لحظهٔ نخست مشخص بود؟ مگر غیر از این است که خودش بارها و بارها تکرار کرد که اهل دعوا نیست و کار با دعوا پیش نمی‌رود؟ مگر سواى این است که پزشکیان به کرات تأکید کرد که خواهان اجرای سیاست‌های کلی نظام است؟ مگر جز این است که شخص پزشکیان بارها و بارها بر لزوم آشتی و همکاری و همراهی تمام جناح‌های داخلی ایران اصرار ورزید؟ با این حساب، اگر واقعاً تحلیلی وجود دارد که سطح انتظارات بالا از کابینهٔ پزشکیان را موجه نشان می‌دهد آن تحلیل بر پایهٔ کدام‌یک از نظرات و دیدگاه‌های آقای پزشکیان بنا شده است؟ و اگر تحلیلی وجود ندارد، کنش و واکنش بدون تحلیل قرار است چه ثمری داشته باشد و به کدام نقطه ختم شود؟ در واقع، بسیاری از رأی‌دهندگان بر مبنای دو تحلیل وارد صحنهٔ انتخابات شدند. یک عدد، صرف تأیید صلاحیت پزشکیان را نشانهٔ انعطاف نظام برای انجام پاره‌ای اصلاحات با روش اجماعی قلمداد کردند و رأی به او را موجه دانستند. جمعی دیگر نیز صرفاً از ترس به قدرت رسیدن طیف حامی سعید جلیلی، حضور در انتخابات و رأی به پزشکیان را به عنوان امری با‌زدارنده از بلایی آتی توجیه کردند. این دو دسته گرچه هر دو نسبت به برخی اعضای کابینه نقد جدی دارند اما منطقی‌نمی‌توانند تا نفی کلیت کابینه و اظهار نومیدی و پشیمانی پیش بروند چرا که برای دسته اول اگر فرض انعطاف نظام همچنان پای‌رجا باشد، ترکیب کابینه خلیلی در آن تحلیل وارد نمی‌کند و برای دسته دوم نیز همین که یاران آقای جلیلی در کابینه پیشنهادی وجود ندارند، انتظار و توقع‌شان برآورده شده است. با این حساب، این همه غوغا و قبل و قال بر سر کابینه‌ای که هنوز امتحان خود را پس نداده است برایت چیست؟

گزارش یک